مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال سیزدهم ، شماره ۲، پاییز زمستان ۱۴۰۰، شمارهٔ پیاپی ۲۵

DOI: 10.22067/JLKD.2021.39566

هماهنگی واکه‌ای در صرف افعال گویش مشهدی: واج‌شناسی زایشی

سیدمحمد حسینی، استادیار زبان‌شناسی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک(نویسنده مسئول)
عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا، دانشیار زبان‌شناسی گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

صص: ۴۷-۲۲

چکیده

در این پژوهش هماهنگی واکه‌ای پیش‌وندهای فعلی در گویش افـراد میان‌سـال غیرمهـاجر شهر مشهد در چارچوب واج‌شناسی زایشی بررسی می‌گردد. بدین منظور، نزدیک بـه ۱۲۰ فعل بسیط گویش مشهدی صرف شده و تناوب‌های واجی واکه‌ها در پیش‌ونـدهای فعلـی استمرار، التزام و نفی در محیط آوایی خـود اسـتخراج و از نظـر همـاهنگی مشخصـه‌های واجی واج آغازگر و همخوان آغازین ستاک بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهـد کـه شـکل زیرسـاختی پیش‌ونـد اسـتمرار و التـزام دارای واکـهٔ پیشـین میـانی اسـت؛ همـاهنگی در مشخصه‌های پسین بودن، افراشتگی و یا هر دو با هم رخ می‌دهد؛ واکه پیشین افتاده سـتاک در ایجاد هماهنگی مشارکت ندارد، ولی واکهٔ پسین افتاده صرفاً در صـورتی کـه همخـوان آغازین ستاک غیرتیغه‌ای باشد آغازگر هماهنگی است؛ واکـهٔ پیش‌ونـد نفـی پـیش از ونـد استمراری در مشخصه پسین‌بودن با تکواژ استمراری هماهنگ می‌شود. همچنین، قاعده‌های حاکم بر هماهنگی در فعل‌های دارای غلت یا همخوان چاکنایی که در آن‌ها حـذف انجـام می‌شود بررسی شد.

کلیدواژه‌ها: گویش مشهدی، پیش‌وند فعلی، هماهنگی واکه‌ای، واج‌شناسی زایشی

تاریخ دریافت :۱۳۹۹/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش : ۱۴۰۰/۰۵/۲۹

پست الکترونیکی: 1. akord@modares.ac.ir 2. m-hoseini@araku.ac.ir

۱-مقدمه

شهر مشهد از نظر وسعت و جمعیت دومین شهر بزرگ ایران است و طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ شمسی جمعیتی بیش از سه میلیون نفر دارد. برخی تاریخچه شکل‌گیری این شهر را قرن سوم هجری، زمان شهادت امام علی بن موسی‌الرضا، هشتمین امام شیعیان می‌دانند، اما پیش از آن این منطقه بخشی از ولایت توس بوده است. علت نام‌گذاری توس آن است که بنیان‌گذار و نخستین حکمران آن، «توس بن نوذر» از فرماندهان نام‌آور کیخسرو پادشاه کیانی بوده است. با توجه به اسناد موجود می‌توان حدس زد که شهر مشهد در اواخر حکومت ساسانیان، یکی از مرزداری‌های سر راه گرگان و نیشابور به مرو و بلخ، و از ولایت‌های مشهور در خراسان بزرگ بوده است (مروارید، ۱۳۹۲).

گویش مشهدی بازمانده لهجه توس قدیم است که شاهنامه فردوسی بدان نوشته شده، و با توجه به این‌که شاهنامه اثری قطعی و بلامنازع در گذار از فارسی میانه به فارسی معاصر محسوب می‌شود (ویندفور[1] و پری[2]، ۲۰۰۹: ۵۳۳)، مطالعه این گویش دارای ارزش فراوانی است. از لحاظ گویش‌شناختی، گویش مشهد جزو گویش‌های منطقه خراسان بزرگ است و شباهت‌های واژگانی و آوایی زیادی با فارسی دری (روحانی رهبر[3]، ۲۰۰۹) و فارسی تاجیکی (ویندفور و پِری، ۲۰۰۹؛ کلباسی،۱۳۷۴؛ پِری، ۲۰۰۵) دارد. گزاف نیست اگر ادعا شود که مطالعه گویش‌های خراسان، به طور عام و گویش مشهدی، به طور خاص، دریچه‌ای است به سوی بررسی روند تحولات فارسی میانه به فارسی دری و فارسی معاصر ایران، چرا که خراسانِ ایران در سه‌راهی ایران، افغانستان و تاجیکستان قرار دارد. اگر بپذیریم که فارسی دری در افغانستان ویژگی‌های بیش‌تری از فارسی میانه را حفظ کرده است و «نشان‌گر مرحله‌ای است که فارسی معاصر [فارسی ایران] پیش از این طی نموده» (روحانی رهبر، ۲۰۰۸: ۲۳۴)، آن‌گاه می‌توان با مطالعه گویش‌های خراسان تصویر دقیق‌تری از این گذار و روند تحول فارسی میانه به فارسی معاصر به‌دست داد.

1- Windfuhr
2- Perry
3- Rohany Rahbar

هماهنگی واکه‌ای یکی از ویژگی‌های برجسته گویش مشهدی است به حدی که بسیاری از مردم سایر مناطق کشور تصوری که از این گویش دارند جمله کلیشه‌ای «مُدُنُم اما نُمُگُم» است که در آن هماهنگی واکه‌ها به وضوح مشاهده می‌شود. هدف از پژوهش حاضر بررسی قواعد حاکم بر هماهنگی واکه‌ای در پیش‌وندهای فعلی استمرار و التزام در گویش مشهدی در صرف افعال در زمان‌های حال و گذشته است.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

۱) تکواژگونه‌های نمود استمراری و وجه التزامی در صرف افعال در گویش مشهدی کدام است؟

۲) هماهنگی واکه‌ها در مرز تکواژها در صرف افعال بسیط در کدام مشخصه‌ها رخ می‌دهد؟

۳) آیا همخوان آغازین ستاک نقشی در هماهنگی یا ممانعت از آن دارد؟

در ادامه مقاله، ابتدا تعریفی از همگونی ارائه خواهد شد و سپس پژوهش‌های پیشین در مورد همگونی در گویش مشهدی مرور خواهد شد. در بخش بعدیروش گردآوری داده‌ها ارائه خواهد شد و بعد از آن، داده‌ها تحلیل و بررسی خواهد گردید. در بخش آخر نیز به خلاصه و جمع‌بندی یافته‌ها پرداخته می شود.

۲.تعریف هماهنگی واکه‌ای

در واج‌شناسی، «هماهنگی[1]» عبارت است از «تأثیر تولید یک واحد واجی[2] بر تولید واحدی دیگر در درون یک واژه یا عبارت» (کریستال[3]، ۲۰۰۸: ۲۲۴) و نوعی از همگونی[4] محسوب می‌شود. همگونی فرایندی واجی است که «با عملکرد آن ارزش مشخصه(ها) یا طبقه مشخصه‌های دو یا چند واحد واجی در یک صورت با یکدیگر مطابقت می‌یابند» (باکوویچ[5]، ۲۰۰۷: ۳۳۵). همگونی به دو نوع پیوسته و ناپیوسته تقسیم می‌شود. همگونی ناپیوسته، که به

1- harmony
2- segment
3- Crystal
4- assimilation
5- Baković

طور معمول بین واکه‌ها رخ می‌دهد، هماهنگی واکه‌ای[1] نامیده می‌شود و در آن یک یا چند مشخصهٔ واکه‌ها در محدوده معینی، معمولاً یک واژه، با هم هماهنگ می‌شود (تسیگا[2]، ۲۰۰۶: ۵۵۵). رُز[3] و واکر[4] (۲۰۱۱) پنج نوع هماهنگی واکه‌ای را برمی‌شمارند: هماهنگی در پسین‌بودن، هماهنگی در گردی، هماهنگی در افراشتگی، هماهنگی در موقعیت ریشه زبان[5] (ATR) و هماهنگی کامل (رُز و واکر، ۲۰۱۱: ۲۵۱-۲۵۶).

۳-پیشینه تحقیق

در مورد گویش مشهدی و هماهنگی واکه‌ای در آن تحقیقات چندانی در دسترس نیست. از بین آثار موجود در تعداد انگشت‌شماری از پژوهش‌ها به برخی ویژگی‌های واج‌شناختی هماهنگی اشاره شده است. طوسی (۱۳۴۱) پس از فهرست کردن برخی ویژگی‌های آوایی گویش مشهدی، بر اساس شم زبانی خود، به ارائه فهرستی از واژه‌های رایج در این گویش با تأکید بر محله نوقان، از محله‌های قدیمی مشهد، می‌پردازد. از میان ویژگی‌های آوایی گویش مشهدی که به موضوع پژوهش حاضر مربوط است او فقط به چند نکته زیر اشاره می‌کند[6]:

"«i»در صورتیکه مابعد آن حرف ساکن باشد به «e» بدل میگردد: برخیز=وخز[vaχez]. میگوئیم=مگم [megem]. ریخت=رخت [reχt]. [...]

«م» استمرار و «ن» نفی و «ب» در اول کلمه‌ای که حرف نخستین آن مضموم باشد مضموم میشوند: بگم [bogom]=بگویم. نمرم [nomorom]=نمیروم. مگم[mogom]=میگویم. و در غیر اینصورت مکسور تلفظ میشوند: بگم [begem]=بگوئیم. مگن [megan]=میگویند. نمرَ [nemera]=نمیرود." (طوسی ۱۳۴۱: ۲)

1- vowel harmony
2- Zsiga
3- Rose
4- Walker
5- ATR

۶- در گفت‌آورد بالا رسم‌الخط اصلی حفظ شده اما برای سهولت خوانده‌شدنِ واژه‌های مشهدی آوانویسی کلمه‌ها در داخل قلاب افزوده شده است.

پهلوان‌نژاد و نجاتیان (۱۳۹۰)، به توصیف برخی ویژگی‌های واجی گویش مشهدی، از جمله توصیف واکه‌ها و همخوان‌ها، فرایندهای واجی مثل قلب، همگونی، ناهمگونی، درج و حذف پرداخته و بدون اشاره به قواعد واجی هماهنگی، مثال‌های زیر را از همگونی واکه‌های هجاهای مجاور در صرف افعال ارائه می‌دهند[1]:

همگون‌سازی واکه‌های هجاهای مجاور (واکه‌های نامجاور)

/ **b**e**n**e**š**i**n** / →/**b**i**š**i**n**/

/**m**i**r**a**v**a**m**/→/**m**o**r**o**m**/

/**n**e**m**i**z**a**n**a**m**/→/**n**e**m**e**z**e**n**o**m**/

(پهلوان‌نژاد و نجاتیان، ۱۳۹۰: ۴۳)

وحیدیان کامیار (۱۳۸۳) نیز در گزارشی در مورد گویش مشهدی به چند ویژگی آوایی این گویش اشاره می‌کند، اما از هماهنگی واکه‌ای سخنی به میان نمی‌آورد. تنها پژوهشی که به هماهنگی واکه‌ای در افعال گویش مشهدی می‌پردازد فیروزیان و بهمدی (۱۳۸۹) است که می‌کوشد هماهنگی واکه‌های پیش‌وندهای فعلی استمرار، التزام و نفی با واکه‌های ستاک در گویش مشهدی را در چارچوب واج‌شناسی زایشی خطی و غیرخطی بررسی کند؛ در این پژوهش نتیجه گرفته شده است که هماهنگی در مشخصه پسین‌بودن رایجترین نوع هماهنگی واکه‌ای در این گویش است و «هنگامی که واکه ستاک [/ ɑ/] باشد و اولین همخوان ستاک پس‌زبانی[2] نباشد این هماهنگی صورت نمی‌گیرد». در پژوهش حاضر، ضمن تأیید بخش‌هایی از یافته‌های فیروزیان و بهمدی (همان)، تحلیل دقیقتر و کاملتری از هماهنگی واکه‌ای در گویش مشهدی ارائه می‌گردد.

۴-روش تحقیق

در گویش‌شناسی سنتی به دلیل وجود دغدغه‌های تاریخی-تطبیقی تأکید بر گویش افراد بی‌سواد، مسن، و روستایی که از محل زندگی خود فاصله زیادی نگرفته‌اند بوده است. این

۱- در واج‌شناسی شکل‌های روساختی در درون [] نوشته می‌شوند اما برای حفظ امانت تغییری داده نشد.

2- dorsal

سوی‌گیری سبب شده گویش بخش بزرگی از جامعه شهرنشین نادیده گرفته شود و ذخیره و منبع عظیم اطلاعات زبانی بدون بررسی رها گردد (چیمبرز[1] و ترادگیل[2]، ۲۰۰۴: ۴۶-۴۵). در تحقیق حاضر، به بررسی تناوب‌های واجی در صرف افعال گویش مشهدی در میان افراد میان‌سال غیرمهاجر شهر مشهد پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، گونه مورد بررسی در این پژوهش گویش مشهدی افراد میان‌سال شهرنشین است. بدین منظور، نویسنده اول مقاله در درجه اول طبق شم زبانی خود به عنوان گویشور بومی، حدود ۱۲۰ فعل بسیط تک‌هجایی، ۲ هجایی و بیش‌تر را با پیش‌وندهای استمرار و حالت منفی آن‌ها و پیش‌وند وجه التزامی در زمان‌های گذشته استمراری، حال استمراری، و وجه التزامی صرف نمود. سپس، داده‌ها را با شمّ سه گویشور مشهدی دیگر، دو نفر زن و ۱ نفر مرد، که همه غیرمهاجر و میان‌سال بودند، سنجید. سنجش به دو شکل پرسش مستقیم در مورد پذیرفتنی یا ناپذیرفتنی بودن برخی صورت‌ها و، مشاهده غیرمستقیم، یعنی مشاهده و یادداشت‌برداری از گفتار این سه نفر انجام شد. مزیت این روش دوگانه بر روش مشاهده و یادداشت‌برداری به‌تنهایی (نک: فیروزیان و بهمدی، ۱۳۸۹)، این است که صورت‌هایی که ممکن بود در گفت‌وگوها رخ ندهند نیز مد نظر قرار گرفت. در مواردی، صورت‌هایی که از نظر گویشور محقق ناپذیرفتنی بودند تولید شدند و از افراد خواسته شد در مورد درستی یا نادرستی آن‌ها نظر دهند.

داده‌ها با توجه به مشخصه‌های تولیدی واج‌های درگیر در هماهنگی، یعنی واکه ستاک، همخوان آغازین ستاک و واکه پیش‌وند بر مبنای مشخصه‌های تولیدی در چارچوب رویکرد کلاسیک (چامسکی[3] و هَله[4]، ۱۹۶۸؛ کنستوویچ[5] و کیسبرث[6]، ۱۹۷۹) توصیف شدند. نتایج در بخش ۵ و زیربخش‌های آن به شکل دسته‌بندی شده ارائه می‌شود.

۵. توصیف و تحلیل داده‌ها

1- Chambers
2- Trudgill
3- Chomsky
4- Halle
5- Kenstowicz
6- Kisseberth

قبل از ارائه داده‌ها لازم است به دو نکته اشاره شود: اول این‌که شناسه‌های شخص و شمار در گویش مشهدی در صرف افعال گذشته و حال یکسان‌اند، به استثنای سوم شخص مفرد که در زمان گذشته /eg-/[۱] و در زمان حال /a-/ است و عبارت‌اند از:

جدول ۱– شناسه‌های شخص و شمار در گویش مشهدی

		حال	**گذشته**
اول شخص	مفرد:	-om	-om
	جمع:	-em	-em
دوم شخص	مفرد:	-i	-i
	جمع:	-en	-en
سوم شخص	مفرد:	-a	-eg, ø
	جمع:	-an	-an

شناسه‌ها تحت تأثیر واکه یا همخوان ریشه نیستند و، به استثناء مواردی که در آن‌ها واکه ستاک حذف می‌شود (نک: بخش ۵–۲)، در هماهنگی واکه‌ای حضور ندارند. نکته دوم این‌که در این پژوهش تغییرات آوایی ستاک پیش‌فرض گرفته شده و به تحولات آن پرداخته نشده مگر در جایی که این تغییرات در انتخاب پیش‌وند فعلی نقش موثر داشته است.

همچنین، به منظور ساده‌سازی خوانده شدن داده‌های ارائه شده، لازم است به تفاوت قواعد مربوط به تکیۀ فعل در گویش مشهدی و گونه معیار نیز اشاره گردد. در گونه معیار تکیه فعل در افعال گذشته و حال استمراری بر روی پیش‌وند استمرار قرار می‌گیرد، ولی در گویش مشهدی تکیه فعل در گذشته استمراری بر روی هجای اول ستاک است ولی در حال استمراری روی هجای آخر، یعنی بر روی شناسه شخص و شمار، قرار می‌گیرد و در صورت افزودن وند دیگری به آن جابه‌جا نمی‌شود. در صورت وجود پیش‌وند نفی، و پیش‌وند نمود التزامی در گویش مشهدی و گونه معیار تکیه فعل بر روی این دو پیش‌وند خواهد بود. به عنوان نمونه، تکیه فعل «خوردن» در گویش مشهدی در مقایسه با گونه معیار در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲– مقایسه تکیه در گویش مشهدی و گونه معیار

۱– شناسه eg– (وحیدیان کامیار (۱۳۸۳) آن را به صورت ek– می‌نویسد) صرفاً در گویش افراد مسن و میان‌سالِ کم‌سواد شنیده می‌شود و از گویش نسل جوان حذف شده است. حضور یا عدم حضور این شناسه تأثیری بر نتایج این پژوهش ندارد.

صورت نوشتاری معیار	واج‌نویسی گونه معیار	گونه مشهدی
می‌خوریم	ˈmiχorim	ˌmoχoˈrem
می‌خوردیم	ˈmiχordim	ˌmoˈχordem
بخورند	ˈbeχoran(d)	ˈboχoran
نخورید	ˈnaχorid	ˈneχoren
نمی‌خوردی	ˈnemiχordi	ˈnomoχordi
می‌خوریم‌شان	ˈmiχorimeʃun	ˌmoχoˈrem(e)ʃɑn

از آن‌جا که تکیه فعل قابل پیش‌بینی است و دخالتی در هماهنگی واکه‌ای نـدارد در داده‌هـا نشان داده نشده است.

در بخش‌های زیر، با توجه به این‌که واکه‌ها در تکواژگونه‌های استمرار و التزام یکی هسـتند این دو پیش‌وند در یک بخش ارائه و بررسی می‌شوند ولی به تکواژگونه‌های پیش‌وند نفی قبل از وند استمرار در بخشی جداگانه پرداخته خواهد شـد. همچنـین، در داده‌هـای ارائـه شـده در جدول‌ها در هر مورد یک صیغه مشخص ارائه شده و از ارائه داده‌های تکراری خودداری شـده است ولی کوشش شده در مجموع نمونه‌هایی از صرف تقریباً همه صیغه‌های فعلی ارائه گردد.

۱-۵.هماهنگی واکه پیش‌وندهای نمود استمراری و التزامی

۵-۱-۱.شکل زیرساختی پیش‌وندهای استمراری و التزامی

تکواژ نمـود اسـتمراری در گـویش مشـهدی در روسـاخت بـه صـورت‌های -mi- ~ me ~ -mu- ~ mo و تکواژ وجه التزامی به شکل‌های-bu-~bo- ~bi-~be ظاهر می‌شـود. بـه چند دلیل می‌توان -me و -be را صورت زیرساختی دانست: اول این‌که صورت‌های-me و be - قبل از تمامی واکه‌ها به کار می‌روند ؛ بنابراین، طبق اصول سادگی و طبیعی‌بودن قواعد واجی (ینسن[1]، ۲۰۰۴: ۱۱۷) این دو شکل زیرساختی هستند (نک: فیروزیان و بهمـدی، ۱۳۸۹). دوم، شواهد تاریخی نیز زیرساختی بودن -me و -be را تأیید می‌کنند چرا که در فارسـی میانـه نیـز پیش‌وند استمرار، -mē و پیش‌وند نمود التزامی -bē بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۶۶-۱۶۷؛ ویندفور، ۲۰۰۹: ۲۵). علاوه بر این، در صرف افعال در فارسی دری و تاجیکی در زمان معاصر نیز -:me به کار می‌رود (روحانی رهبر، ۲۰۰۸؛ پِری، ۲۰۰۵). چهارم، همان‌گونـه کـه در ادامـه

1- Jensen

خواهیم دید، برای تناوب‌های [-mi- ،mu- ،mo] و [-bi- ،bu- ،bo] می‌توان با قواعد واجی به شکل روساختی رسید، اما در مورد -me و -be نمی‌توان قاعده طبیعی ارائه نمود چرا کـه قبـل از همه واکه‌ها، بدون توجه به همخوان اول ستاک، تولید می‌شوند.

۵-۱-۲.هماهنگی در افراشتگی

۵-۱-۲-۱.هماهنگی با واکه /i/ ستاک

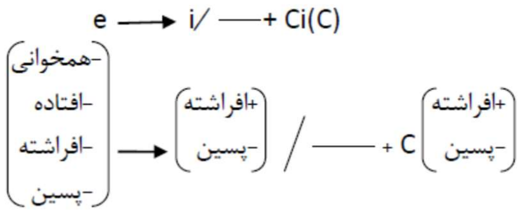
داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که پیش‌وندهای استمرار و التـزام قبـل از سـتاک گذشـته و ستاک حال که واکه اول آن‌ها /i/ باشد به شکل -mi و -bi ظاهر می‌شوند.

جدول ۳- محیط تکواژگونه‌های-bi و -mi

صورت نوشتاری	مصدر (گونه مشهدی)	حال استمراری (دوم شخص مفرد)	گذشته استمراری (دوم شخص جمع)	وجه التزامی (سوم شخص جمع)
خیساندن	χisondan	miχisoni	miχisonden	biχisonem
ریختن	reχtan	mirizi	mereχten[1]	birizem
چیدن	ʧindan	miʧini	miʧinden	biʧinem
پیچاندن	piʧondan	mipiʧoni	mipiʧonden	bipiʧonem

بدین ترتیب، با توجه بـه زیرسـاختی بـودن واکـه /e/ در پیش‌ونـدهای-me و -be، قاعـده هماهنگی واکه‌ای قبل از واکه /i/ بر اساس مشخصه‌های واجی به شکل زیر بیان می‌شود:

قاعده (۱)-هماهنگی در افراشتگی



1- ستاک گذشته فعل ریختن در گویش مشهدی /reχt/ است و واکه پیش‌وند با واکه سـتاک یکـی اسـت و همـاهنگی از قبـل وجود دارد.

قاعده (۱) نشان می‌دهد که در مرز دو تکواژ، واکه پیشینِ میـانی/e/ پیش‌ونـد، تحـت تـأثیر واکه پیشین افراشته ستاک، مشخصه افراشتگی واکه پس از خود را کسب می‌کنـد و همـاهنگی واکه‌ای به صورت پس‌رو صورت می‌گیرد. به عبارت دیگـر، مشخصـه افراشـتگی از واکـه اول ستاک به واکه پیش‌وند گسترش یافته و آن را با خود همگون می‌کند.

۵-۱-۲-۲.ارتقاء واکه در همگونی با غلت /j/

داده‌های جدول ۴ نیز نشان می‌دهد که پیش‌وندهای استمرار و التزام قبل از ستاک گذشته و ستاک حال با هجاهای/je/، /jɑ/ و /jo/ نیز به شکل -mi و -bi ظاهر می‌شوند[۱]. در این محـیط واجی، آنچه باعث می‌شود واکه پیشین میانی به واکه افراشته[i] تبدیل شود، هماهنگی واکـه‌ای نیست، چرا که واکـه‌های/e/، /ɑ/ و /o/ یـک طبقـه طبیعـی را تشـکیل نمی‌دهنـد (کامبوزیـا و هادیان، ۱۳۸۸)، بلکه همگونی با غلتی که به خاطر جلوگیری از التقاء واکه‌ها درج شـده سـبب افراشتگی واکه میانی می‌شود.

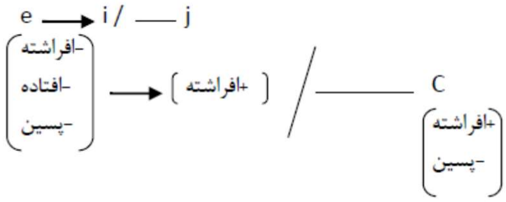
جدول ۴- تبدیل /e/ به [i] قبل از غلت[j]

صورت نوشتاری	مصدر در گونه مشهدی	حال استمراری (دوم شخص مفرد)	گذشته استمراری (دوم شخص جمع)	التزامی (اول شخص جمع)
آوردن	ɑvordan	mijɑri mijeri	mijɑvorden mijevorden	bijɑrem
آمدن	ɑmadan	miji	mijɑmaden mijemaden	bijem
افتادن	oftadan	mijofti	mijoftaden	bijoftem

همگونی واکه /e/ در صورتی که قبل از غلت [j] قرارگیرد فرایندی است که در گونه معیار نیز رخ می‌دهد. کامبوزیا (۱۳۸۵: ۲۰۶-۲۰۵) همگونی بین واکه /e/ در پیش‌وند/-be/ در گونـه معیار در ابتدای کلمه‌هایی که با واکه آغاز می‌شوند را نوعی ارتقاء واکـه می‌دانـد. بنـا بـر ایـن، قاعده تبدیل -me و -be به -mi و -bi به شکل زیر است:

۱- درج غلت [j] در ستاک‌هایی که با واکه شروع می‌شوند بـرای جلـوگیری از التقـاء واکـه‌ها (واکـه پایـانی پیش‌ونـد و واکـه آغازین ستاک) است که در این پژوهش به آن پرداخته نمی‌شود.

قاعده (۲)-همگونی با غلت پیشین [j]



قاعده (۲) نشان می‌دهد که واکه میانی و پیشین /e/ قبل از غلت [j] به واکه افراشته و پیشین [i] تبدیل می‌شود. در واقع، درج غلت [j] زمینه لازم برای اعمال قاعده ارتقاء واکه /e/ به [i] را فراهم می‌کند و بین آن‌ها رابطه زمینه‌چینی[1] برقرار است. کامبوزیا مراحل اشتقاق [bijavar] از زیرساخت تا روساخت را به شکل زیر نشان می‌دهد:

بازنمایی (۱)

بازنمایی زیرساختی	/#be+avar#/
قاعده درج غلت	be-j-avar
قاعده ارتقاء واکه	bi-j-avar
بازنمایی روساختی	[bijavar]

(کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۰۶)

در گویش مشهدی، همچون گونه معیار، در صرف فعل avordan در حال استمراری و التزامی، علاوه بر ارتقاء واکه پیشوند، قاعده حذف هجا نیز عمل می‌کند که شکل زیرساختی/me-avor-om/ را به [mijarom] تبدیل می‌کند.

بازنمایی (۲)

بازنمایی زیرساختی	/#me-avor-om#/
قاعده درج غلت	me-j-avor-om
قاعده ارتقاء واکه	mi-j-avor-om

1- feeding

قاعده حذف vo از ستاک[۱]	mi-j-ɑr-om
صورت روساختی[۲]	[mijɑrom]

با توجه به قاعده‌های (۱) و (۲)، تولید واکه [i] در پیش‌وندهای فعلی گویش مشهدی در محیط‌های قبل از واکه پیشین افراشته بعد از یک همخوان، یا قبل از غلت افراشته، همگونی در مشخصه افراشتگی محسوب می‌شود و در هر دو حالت ارتقاء واکه صورت گرفته است و تفاوت آن‌ها در این است که در اولی آغازگر هماهنگی یک واکه و در دومی یک همخوان است.

جدول ۵- محیط تولید تناوب‌های -mo، -mu و-bo ، -bu

صورت نوشتاری	مصدر در گویش مشهدی	حال استمراری (اول شخص مفرد)	گذشته استمراری (دوم شخص مفرد)	التزامی (سوم شخص مفرد)
بریدن	borridan	moborrom	moborridi	boborra
پرسیدن	porsidan	moporsom	moporsidi	boporsa
ترشیدن	torʃidan	motorʃom	motorʃidi	botorʃa
جویدن	ʤovidan	moʤovom	moʤovidi	boʤova
چسیدن	ʧossidan	moʧossom	moʧossidi	boʧossa
خوردن	χordan	moχorom	moχordi	boχora
دزدیدن	dozdidan	modozdom	modozdidi	bodozda
شستن	ʃostan	muʃurom, moʃurom	moʃosti	buʃura, boʃura
کلوچیدن[۳]	koluʧidan	mokoluʧom	mokoluʧidi	bokoluʧan
مردن	mordan	mimirom	momordi	bimira

۱- حذف یک هجا در کلمه‌های چهار هجایی و تبدیل آن‌ها به سه هجایی در برخی افعال دیگر از جمله «نشستن» نیز دیده می‌شود.

۲- گاهی قاعده دیگری بر روی واکه ستاک عمل نموده و /ɑ/ را به /e/ تبدیل می‌کند و شکل‌های روساختیِ [mijerom]، [mijeri]، [mijera]، [mijerem]، [mijeren]، [mijeran]را تولید می‌کند. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، تفاوت‌های واکه‌های ستاک در گویش مشهدی با گونه معیار در این پژوهش بررسی نمی‌شود.

۳- جویدن چیزی که زیر دندان تولید صدا کند

پوشیدن	puʃidan	mupuʃom, mopuʃom	mupuʃidi, mopuʃidi	bupuʃa, bopuʃa
توپیدن	tuppidan	mutuppom, motuppom	mutuppidi, motuppidi	butuppa, motuppa
جوشاندن	ʤuʃondan	muʤuʃonom, moʤuʃonom	muʤuʃondi, moʤuʃondi	buʤuʃona, boʤuʃona
دوختن	duχtan	muduzom, moduzom	muduχti, moduχti	buduza, boduza
سوزاندن	suzondan	musuzonom, mosuzonom	musuzondi, mosuzondi	busuzona, bosuzona
کوبیدن	kubidan	mukubom, mokubom	mukubidi, mokubidi	bukuba, nokuba

۵-۱-۳.هماهنگی در پسین‌بودن و افراشتگی

در جدول ۵ داده‌هایی ارائه شده‌اند که در آن‌ها همخوان آغازین ستاک لبی، لثوی-دندانی، تیغه‌ای یا نرم‌کامی و واکه ستاک /o/ یا /u/ است. بررسی تناوب‌ها در این جدول نشان می‌دهد که پیش‌وندهای استمرار و التزام قبل از ستاک گذشته و ستاک حال با واکه ستاک یکسان هستند و هماهنگی کامل واکهٔ پیش‌وند در مشخصه‌های [+پسین]، در مورد /o/، و [+پسین، +افراشته] در مورد /u/ انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، اگر واکهٔ آغازین ستاک /o/ باشد، واکهٔ پیش‌وند نیز /o/ خواهد بود و اگر واکهٔ ستاک /u/ باشد واکهٔ پیش‌وند نیز /u/ خواهد بود.

بدین ترتیب دو تغییر فوق را به شکل زیر می‌توان نشان داد:

$$e \longrightarrow o / __ + Co/u$$

$$e \longrightarrow u / __ + Cu$$

قاعده‌ای که بتواند هر دو تغییر را با هم در بر بگیرد قاعده (۳) است:

قاعده (۳)-هماهنگی در پسین‌بودن وقتی واکه ستاک /o/ یا /u/ باشد

$$\begin{bmatrix} -\text{پسین} \\ -\text{افراشته} \\ -\text{افتاده} \end{bmatrix} \longrightarrow \begin{bmatrix} +\text{پسین} \\ \alpha\text{افراشته} \\ -\text{افتاده} \end{bmatrix} / __ + C \begin{bmatrix} +\text{پسین} \\ \alpha\text{افراشته} \\ -\text{افتاده} \end{bmatrix}$$

قاعده (۳) بیان می‌کند که هماهنگی واکه‌ای در دو مشخصه افراشتگی و پسین بودن رخ می‌دهد و واکهٔ پیشین میانی در مجاورت واکهٔ پسین افراشته جای خود را به دومی می‌دهد. در واقع، نوعی هماهنگی واکه‌ای به صورت همگونی کامل رخ می‌دهد. این قاعده زمانی عمل می‌کند که همخوان آغازین ستاک غلت /j/ نباشد، زیرا در این صورت قاعده خاص (۲) قبل از این قاعده عمل خواهد کرد.

۵-۱-۴.هماهنگی در پسین بودن و همخوان‌های تیره

در جدول (۶) داده‌هایی آورده شده که در آن‌ها واکهٔ اول ستاک [+پسین، −افراشته، +افتاده، −گرد] است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در صرف برخی فعل‌ها تبدیل [e] به [o] در پیش‌وند قابل قبول است اما در برخی دیگر فقط صورت زیرساختی [e] امکان تولید دارد و هماهنگی واکه‌ای انجام نمی‌گیرد.

جدول ۶- تناوب میان واکه‌های [e] و [o] قبل از Ca در مرز دو تکواژ

صورت نوشتاری	مصدر (گونه معیار)	اول شخص جمع		دوم شخص جمع	
		me-	**mo-**	**be-**	**bo-**
مالیدن	malidan	memalem	momalem	bemalen	bomalen
پاشیدن	paʃidan	mepaʃem	mopaʃem	bepaʃen	bopaʃen
باختن	baχtan	mebazem	mobazem	bebazen	bobazen
تاختن	taχtan	metazem	*motazem	betazen	*botazen
داشتن	daʃtan	medaʃtom	*modaʃtom	--------	--------
ساختن	saχtan	mesazem	*mosazem	besazen	*bosazen
زاییدن	zajidan	mezajem	*mozajem	bezajen	*bozajen
لاسیدن	lasidan	melasem	*molasem	belasen	*bolasen
نازیدن	nazidan	menazem	*monazem	benazen	*bonazen
شاشیدن	ʃaʃidan	meʃaʃem	*moʃaʃem	meʃaʃen	*boʃaʃen
چاپیدن	ʧapidan	meʧapem	*moʧapem	meʧapen	*boʧapen
کاشتن	kaʃtan	mekarem	mokarem	bekaren	bokaren
گازیدن	gazidan	megazem	mogazem	begazen	bogazen
خوابیدن	χabidan	meχabem	moχabem	beχaben	boχaben

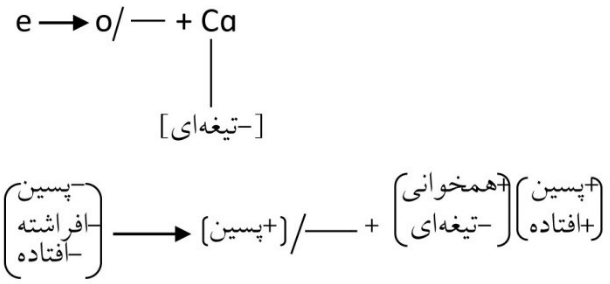
قاپیدن	Gapidan	meGapem	moGapem	beGapen	boGapen

داده‌های جدول (۶) نشان می‌دهد که واکه /e/ در مرز بین دو تکواژ تبدیل بـه [o] می‌شـود مشروط به این‌که همخـوان آغـازین سـتاک فعـل یکـی از همخوان‌هـای دولبـی/p/، /b/، /m/، نرم‌کامی/k/ و /g/ یا ملازی/χ/ و /G/ باشد. در غیر ایـن صـورت، یعنـی قبـل از همخوان‌هـای دندانی-لثوی/t/ و /d/ و لثوی/s/،/z/ و/n/ و/l/ لثوی-کامی/ʃ/ و /ʧ/، به [o] تبـدیل نمی‌شـود. به بیان دیگر، هرگاه ستاک با همخوان‌های {G, χ, g, k, m, b, p}آغاز شود و پس از آن واکـه افتاده پسین /ɑ/ به کار رفته باشد، پیش‌وندهای استمراری -me و التزامی-be با دو شکل [me-/mo-] و [be-/bo-] در روساخت ظاهر می‌شوند. اما اگر واکـه سـتاک /ɑ/ باشـد و همخـوان آغـازین آن یکـی از همخوان‌هـای تیغـه‌ای[1] {t، d، s، z، n، l، ʃ، ʧ} باشـد همگـونی انجـام نمی‌شود. به عبارت دیگر، همخوان‌های تیغه‌ای گرفته در گـویش مشـهدی در همـاهنگی بـین واکه‌ها در مرز تکواژ و قبل از /ɑ/ تیره عمل کرده و مانع عملکرد قاعـده همـاهنگی می‌شـوند، ولی همخوان‌های [+لبی] و [+پسین] شفاف عمـل می‌کننـد. فیروزیـان و بهمـدی (۱۳۸۹) در تحلیل خود به تیره بودن همخوان‌هـای تیغـه‌ای اشـاره می‌کننـد، ولـی در مـورد همخوان‌هـای شفاف، فقط همخوان‌های پس‌زبانی را شفاف می‌دانند و به همخوان‌های دولبی اشاره نمی‌کننـد و همخوان‌های شفاف در این فرایند را با مشخصه‌های [-تیغه‌ای، -پیشین[2]] توصـیف می‌کننـد. بنا بر یافته‌های این پژوهش، قاعدهٔ همگونی واکه پیش‌وند با واکـه /ɑ/ سـتاک را بـا توجـه بـه داده‌های جدول ۶ به شکل زیر می‌توان نوشت:

قاعده ۴: هماهنگی در پسین‌بودن در حضور همخوان غیرتیغه‌ای

۱- در داده‌های پژوهش فعل‌هایی که با همخوان‌های تیغه‌ای/r/، /ʤ/ و /ʒ/ شروع شوند و واکه آغازین سـتاک آن‌هـا /ɑ/ باشـد یافت نشد. پهلوان‌نژاد و نجاتیان (۱۳۹۰) و وحیدیان کامیار (۱۳۸۳) /ʒ/ را در گویش مشهدی فاقد ارزش واجی می‌دانند.

2- anterior



رفتار ویژهٔ واج‌های تیغه‌ای در فرایندهای واجی در زبان‌های مختلف مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. همخوان‌های تیغه‌ای در زبان‌ها و گویش‌های زیادی در فرایندهای هماهنگی واکه‌ای تمایل به شفافیت دارند و اغلب مانع هماهنگی نمی‌شوند (نک: پارادی[1] و پرونه[2]، ۱۹۹۱؛ روکا[3]، ۱۹۹۴؛ رایس[4]، ۲۰۰۹). این در حالی است که در داده‌های گویش مشهدی همخوان‌های تیغه‌ای در هماهنگی واج پیشین میانی /e/ با واکه‌های پسین میانی /o/ و افراشته /u/ شفاف عمل می‌کنند و تنها در هماهنگی با واکه پسین افتاده/ɑ/ تیره هستند.در ادامه به بررسی مواردی می‌پردازیم که در آن‌ها قاعده‌ها به شکلی متفاوت عمل می‌کنند.

۵-۲.فعل‌های دارای غلت یا همخوان چاکنایی در ستاک

در فعل‌های «گفتن»، «رفتن»، «خواستن»، «دادن» و «شدن» پیش‌وندهای استمرار و التزام در اول شخص مفرد زمان حال متفاوت از سایر صیغه‌های صرفی هستند و به نظر می‌رسد قاعده‌های (۱)، (۳) و (۴) فوق عمل نکرده یا به شکلی دیگر عمل می‌کنند، چرا که به رغم وجود محیط‌های آوایی یکسان، برونداد متفاوتی در اول شخص مفرد نسبت به سایر صیغه‌ها تولید می‌شود.

جدول ۷- افعال دارای غلت یا همخوان چاکنایی در ستاک

مفرد	جمع

1- Paradis
2- Prunet
3- Roca
4- Rice

شکل نوشتاری	مصدر در گویش مشهدی	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص
گفتن	goftan	mogom	megi	mega	megem	megen	megan
رفتن	raftan	morom	meri	mera	merem	meren	meran
خواستن	χɑstan	moχɑm	meχi meχej	meχa	meχem	meχen	meχan
دادن	dɑdan	modom medom	medi	meda	medem	meden	medan
شدن	ʃodan	moʃom meʃom	meʃi	meʃa	meʃem	meʃen	meʃan

بنا بر قاعده (۳) می‌توان انتظار داشت که در همه صیغه‌های افعال «دادن»، «گفتن»، «رفتن»، «شدن» و «خواستن»، گونه‌های-mo و -bo جایگزین -me و -be شود و در مورد فعل «دادن» نیز شکل زیرساختی، یعنی-me بکار رود، اما چنین اتفاقی نیفتاده است. برای یافتن چرایی تفاوت‌ها، ابتدا باید به وجه مشترک ستاک حال در این فعل‌ها توجه نمود: در همه افعال فوق ستاک حال متشکل از یک هجای CVC است که همخوان دوم آن /h/ (-χɑh و -deh)، /j/ (guj) یا /w/ (ʃow و -row) است و در هر چهار فعل همخوان دوم حذف می‌شود و ستاک حال تبدیل به یک هجای باز CV می‌شود که واکه آن دارای مشخصه [+پسین] است. در ستاک‌هایی که به همخوان‌های {(w)v، j، h} ختم می‌شوند، این همخوان‌ها همیشه در معرض حذف قرار دارند. حذف این همخوان‌ها موجب التقای دو واکهٔ ستاک و شناسه می‌شود. از این رو، یکی از دو واکه برای جلوگیری از التقای واکه‌ها حذف می‌شود. در چنین مواردی، اگر واکهٔ ستاک از واکه‌های {ɑ، i، u} و واکه شناسه از گروه {a، e، o} باشد، اولویت با حذف واکه‌های کوتاه است، مگر این‌که با حذف ابهام ایجاد شود. در نتیجه، گاهی از ستاک فقط یک همخوان باقی می‌ماند و هماهنگی واکه‌ای در این نوع ستاک‌ها متفاوت است. به این ترتیب، در موارد جدول ۷ عملکرد قاعده‌ها در اول شخص و دوم شخص مفرد فعل‌های «رفتن»، «شدن» و «گفتن» به ترتیب زیر است:

بازنمایی (۳)

۱–صورت زیرساختی	/#me-guj-om#/	/#me-guj-i#/	/#me-rav-om#/	/#me-rav-i#/
۲–حذف VC	me-g-om	me-g-i	me-r-om	me-r-i
۳–هماهنگی واکه‌ای	mo-g-om	--	mo-r-om	--
صورت روساختی	[mogom]	[megi]	[morom]	[meri]

و مراحل اشتقاق در فعل‌های «دادن» و «خواستن» نیز به ترتیب زیر خواهد بود:

بازنمایی (۴)

۱–صورت زیرساختی	/#me-dah-om#/	/#me-dah-i#/	/#me-χɑh-om#/	/#me-χɑh-i#/
۲–حذف چاکنایی h	me-da-om	me-da-i	me-χɑ-om	me-χɑ-i
۳–حذف یکی از دو واکه رودررو در التقای واکه‌ها	me-d-om	me-d-i	me-χɑ-m	me-χ-i
۴–هماهنگی واکه‌ای در مشخصه پسین	mo-d-om	---	mo-χ-ɑm	---
صورت روساختی	[modom]	[medi]	[moχɑm]	[meχi][1]

نتیجه این‌که هماهنگی واکه‌ای در پیش‌وندهای استمرار و التزام در گویش مشهدی، با فرض زیرساختی بودن -me، در مشخصه‌های پسین‌بودن، افراشتگی، یا پسین‌بودن و افراشتگی انجام می‌شود و به ترتیب، تکواژگونه‌های-mi، -mo، -mu و bi، -bo، -bu را تولید می‌کند.

۳-۵.پیش‌وند نفی قبل از تکواژ استمرار

داده‌های جدول ۸ و سایر نمونه‌ها نشان می‌دهد که پیش‌وند نفی در گونه فارسی مشهدی قبل از پیشوند استمرار با دو تناوب -ne و -no تولید می‌شود. با توجه به بسامد بالای -ne و رخداد آن در همه موارد قبل از -me، -mo، -mu و -mi می‌توان آن را صورت زیرساختی دانست. صورت -no در صورتی تولید می‌شود که -ne قبل از گونه‌های-mo و -mu قرارگرفته باشد، اما قبل از -mi، که همانگونه که گفته شد مصداق هماهنگی در افراشتگی است (قاعده ۱)، انجام نمی‌گیرد. بنابراین، قاعده اصلی هماهنگی در پسین‌بودن است، یعنی مشخصه

1–این صیغه از فعل خواستن در روساخت به شکل [meχej] نیز ظاهر می‌شود که به بحث حاضر مربوط نمی‌شود.

[+پسین] از واکه پیشوند نمود استمراری به واکه نفی منتقل می‌شود و صورت هماهنگ‌شده -no را تولید می‌کند.

جدول ۸- هماهنگی واکه پیشوند نفی با واکه پیشوند استمرار

شکل نوشتاری	مصدر گویش مشهدی	وجه استمراری (سوم شخص مفرد) گذشته	وجه استمراری (سوم شخص مفرد) حال
بستن	bastan bestan	nemebast	nemebanda nemebenda
خریدن	χeridan, χaridan	nemeχerid nemeχarid	nemeχera nemeχara
ریختن	reχtan	nemereχt	nemiriza
دیدن	didan	nemedid	nemibina
بردن	bordan	nemobord nomobord	nemobora nomobora
خوردن	χordan	nemoχord nomoχord	nemoχora nomoχora
پوشیدن	puʃidan	nomopuʃid	nemopuʃa nomopuʃa
جوشیدن	ʤuʃidan	nemoʤuʃid nomoʤuʃid	nemoʤuʃa nomoʤuʃa
پاشیدن	pɑʃidan	nomopɑʃid	nomopɑʃa
باختن	bɑχtan	nomobɑχt	nomobɑza

به بیان دیگر، در مواردی که دو پیش‌وند استمرار و نفی هر دو به فعل افزوده می‌شوند هماهنگی واکه‌ای به صورت مکرر[1] اعمال می‌شود به این معنی که ابتدا پیش‌وند استمرار تحت تأثیر واکه ستاک مطابق قاعده (۳) با آن هماهنگ می‌شود و سپس واکه پیش‌وند نفی با واکه تکواژ استمرار با تکرار همان قاعده هماهنگ می‌گردد. در نتیجه، مراحل اشتقاق واژه‌های «پوشیدن» و «پاشیدن» در اول شخص جمع به شکل زیر خواهد بود:

بازنمایی (۵)

صورت زیرساختی /#ne-me-pɑʃ-em#/ /#ne-me-puʃ-em#/

1- iterative

هماهنگی واکه تکواژ استمرار (قاعده ۳)	ne-mo-paʃ-em	ne-mo-puʃ-em
هماهنگی واکه وند نفی (قاعده ۳)	no-mo-paʃ-em	no-mo-puʃ-em
صورت روساختی	[nomopaʃem]	[nomopuʃem]

نکته این‌که اعمال مکرر هماهنگی در پسین بودن اختیاری است و دو صورت روساختی گونه‌های آزاد محسوب می‌شوند.

۶-بحث

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، فیروزیان و بهمدی (۱۳۸۹) نتیجه می‌گیرند که برای عملکرد هماهنگی واکه‌ای در صورتی که واکه ستاک /ɑ/ باشد تنها پس‌زبانی بودن همخوان آغازین ستاک کافی است، حال آن‌که داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هماهنگی واکهٔ پیش‌وند با /ɑ/ به عنوان واکهٔ ستاک با همخوان‌های دولبی /p/، /b/ و /m/ نیز انجام می‌شود و محدود به واج‌های پس‌زبانی نیست. دلیل این حذف از داده‌های فیروزیان و بهمدی را شاید بتوان به شیوه گردآوری داده‌ها در آن پژوهش نسبت داد. فیروزیان و بهمدی داده‌های خود را با یادداشت‌برداری از گفتار گویشوران مشهدی گردآوری کرده‌اند و احتمالا موارد این‌چنینی در داده‌های آن‌ها رخ نداده است. حال آن‌که در پژوهش حاضر، ابتدا فهرستی از فعل‌های ساده مشهدی گردآوری شده و سپس بر مبنای شم زبانی محقق اول تحقیق صرف شد و سپس با شم زبانی سایر گویشوران سنجیده شد. این روش سبب شد تقریباً همه حالت‌های ممکن در داده‌های این پژوهش در نظر گرفته شود.

مدرسی قوامی (۱۳۸۹) بیان می‌کند که در فارسی معیار «در هماهنگی بین تکواژی، هر شش واکه آغازگرند ولی تنها e و a هدف تغییرند». در داده‌های هماهنگی پیش‌وند با واکهٔ ستاک در گویش مشهدی /u/، /o/، /i/ همیشه آغازگرند، ولی /ɑ/ تنها در صورتی آغازگر است که همخوان ستاک تیغه‌ای نباشد. همچنین، روحانی رهبر (۲۰۰۹) نیز در مورد هماهنگی واکه‌ای در فارسی معیار بیان می‌کند که «در زبان فارسی واکه‌های افتاده در هماهنگی در افراشتگی شرکت نمی‌کنند». این ویژگی نیز در هماهنگی در صرف افعال گویش مشهدی صادق نیست و واکه پسین افتاده /ɑ/ پس از همخوان‌های [-تیغه‌ای] آغازگر هماهنگی واکه‌ای در افراشتگی است.

همچنین، در داده‌های جدول‌های ۵ و ۶ مشاهده شد که همهٔ همخوان‌ها در هماهنگی /e/ با /o/ یا /u/ شفاف عمل می‌کنند، اما زمانی که واکه ستاک /ɑ/ باشد تنها همخوان‌های دولبی، نرم‌کامی و ملازی شفاف هستند و اجازه هماهنگی می‌دهند. همخوان‌های دولبی، نرم‌کامی و ملازی در دو سوی حفرهٔ دهان تولید می‌شوند و از نظر محل تولید متفاوتند. یک پرسش که می‌توان مطرح کرد این است که «چه مشخصه یا مشخصه‌هایی سبب می‌شود این همخوان‌ها رفتار همسان داشته باشند؟». در چارچوب آواشناسی تولیدی همخوان‌های دولبی [+پیشین، −تیغه‌ای] و همخوان‌های نرم‌کامی و ملازی [−پیشین، −تیغه‌ای] اند و تنها وجه اشتراک آن‌ها [−تیغه‌ای] است (دوراند[1]، ۱۹۹۰؛ هوبر[2]، ۲۰۰۶). افزون بر این، همخوان‌ها وجه اشتراکی با واکه آن [+افتاده، +باز، +پسین] ندارند. اما، به نظر می‌رسد، اگر به مشخصه‌های این آواها از زاویه دید آواشناسی شنیداری نگاه کنیم نتایج دقیق‌تری به دست خواهد آمد. در آواشناسی شنیداری یک مشخصه [∓فرونوا[3]] هست که ابتدا توسط یاکوبسن و همکارانش طرح شده و طبق آن همخوان‌های نرم‌کامی، ملازی و لبی با واکه‌های پسین گرد در یک گروه قرار می‌گیرند و همگی دارای مشخصهٔ [+فرونوا] هستند. مشخصه فرونوا مربوط به کیفیت به گوش رسیدن صداست. صداهای فرونوا «به دلیل آن‌که در دو انتهای حفرهٔ دهانی ساخته می‌شوند [...] موجب تمرکز انرژی در بسامد (فرکانس)های پائین‌تر صوتی می‌گردند» (هایمن، ۱۳۶۸: ۶۱). از طرف دیگر، واکه‌های پسین گرد نیز در مشخصه [+فرونوا] با لبی‌ها، ملازی‌ها و نرم‌کامی‌ها مشترک هستند (دوراند، ۱۹۹۰: ۶۲؛ هوبر، ۲۰۰۶). چامسکی و هله (۱۹۶۸: ۶۲−۶۳) و کنستوویچ (۱۹۹۴) مشخصهٔ فرونوا را به عنوان یک مشخصه متمایزکننده رد می‌کنند اما هایمن (۱۳۶۸/۱۹۷۳) و دوراند (۱۹۹۰) با ارائه شواهدی از زبان‌های مختلف نشان می‌دهند که این مشخصه برخی مشاهده‌های رایج در فرایندهای واجی زبان‌ها را که بر مبنای مشخصه‌های تولیدی توجیه‌شدنی نیستند، می‌تواند تبیین کند. داده‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهند که هر چند تکیه صرف به مشخصه‌های تولیدی مبتنی بر محل تولید می‌توانند قاعده‌مندی‌های هماهنگی در گویش مشهدی را تبیین کند، اما توجه به مشخصه‌های شنیداری می‌تواند دلیل برخی از این قاعده‌مندی‌ها را بهتر نشان دهد. کامبوزیا و عزت‌آبادی‌پور (۱۳۹۶) و کامبوزیا و

1- Durand
2- Huber
3- grave

همکاران (۱۳۹۷) نیز در بررسی فرایندهای واجی گویش‌های فارسی ایران به این مشخصه استناد کرده‌اند.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از بررسی حدود ۱۲۰ فعل بسیط در گویش مشهدی و صرف آن‌ها در زمان‌های گذشته استمراری، حال استمراری، حال التزامی و حالت‌های منفی آن‌ها مشخص گردید که از بین تناوب‌های موجود صورت‌های-me، -be و -ne صورت زیرساختی‌اند و هماهنگی واکه‌ها از نوع پس‌رو است و در مرز تکواژها عمل می‌کند، نه در درون ستاک: در مورد وند نمودهای استمراری و التزامی واکه اول ستاک بر واکه پیش‌وند اثر می‌گذارد و آن را با خود در مشخصه‌های پسین‌بودن، افراشتگی، یا هر دو هماهنگ می‌کند. واکهٔ دوم ستاک‌های ۲دوهجایی، واکهٔ وند سببی‌ساز و واکه‌های شناسه‌های فعلی در هماهنگی واکه‌ای شرکت نمی‌کنند. واکه پیشین افتاده ستاک در ایجاد هماهنگی مشارکت ندارد، اما واکه پسین افتاده تنها در صورتی که همخوان آغازین ستاک غیرتیغه‌ای باشد، آغازگر هماهنگی است؛به بیان دیگر، همخوان‌های تیغه‌ای در برابر واکه پسین افراشته ستاک سدبندان می‌کنند و مانع هماهنگی می‌شوند. علاوه بر این، در مواردی که تکواژهای استمرار و نفی توأمان به فعل افزوده می‌شوند، قواعد هماهنگی به صورت مکرر عمل می‌کنند و واکهٔ پیشوند نفی با واکهٔ پیشوند استمرار هماهنگ می‌شود. همچنین، در فعل‌های دارای غلت یا همخوان چاکنایی که در آن‌ها حذف انجام می‌شود، قاعده‌های مختلف طبق ترتیب خاصی عمل می‌کنند.

منابع

۱- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: سمت.

۲- ادیب طوسی، محمدامین (۱۳۴۱). «لغات نوغانی (مشهدی)». *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز*. سال چهاردهم، شماره بهار، صص. ۲–۴۱.

۳- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و حسین نجاتیان (۱۳۹۰). «بررسی و توصیف نظام آوایی گویش مشهدی». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران*. سال اول، شماره ۱. صص ۳۱–۵۵.

۴- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو (۱۳۸۵). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: انتشارات سمت.

۵- کامبوزیا، عالیه کردزعفرانلو و فاطمه عزت‌آبادی‌پور. (۱۳۹۶). «بررسی فرایند ارتقاء واکه و واژگونی این قاعده در گونه‌های زبان فارسی: رویکرد زایشی». فصلنامۀ مطالعات زبانها و گویشهای غرب ایران، سال ۵، شماره ۱۹، صص. ۳۶-۱۹.

۶- کامبوزیا، عالیه کردزعفرانلو، فردوس آقاگل زاده سیلاخوری و شراره هادیان زرکش مقدم. (۱۳۹۷). بررسی تغییرات واکه پسین افراشته گرد در گونه‌های زبانی استان اصفهان: چارچوب واج‌شناسی زایشی. سال ۸، ش ۱۵، صص. ۵۳-۳۵.

۷- کامبوزیا، عالیه کردزعفرانلو و بهرام هادیان. (۱۳۸۸). طبقات طبیعی در واکه‌های فارسی. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. شماره ۱۵، صص. ۱۱۷-۱۴۴.

۸- کلباسی، ایران (۱۳۷۴). *فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۹- مروارید، محمدرضا (۱۳۹۲). «تاریخ مشهد» http://imamreza.net/per/imamreza.php?id=92 (تاریخ دسترسی ۱۳۹۲/۹/۲۴).

۱۰- هایمن، لاری ام. (۱۳۶۸). *نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل*. ترجمه یدالله ثمره. تهران: فرهنگ معاصر.

۱۱- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳). «گویش مشهدی» مقاله ارائه شده در *دومین همایش ملی ایران‌شناسی: زبانهای ایرانی و زبان‌شناسی ایران*، ۳۰ آذر–۳ دی‌ماه. تهران.

۱۲- فیروزیان پوراصفهانی، آیلین و بهداد بهمدی مقدس (۱۳۸۹). «تحلیل فرایندهای واژواجی هماهنگی واکه‌ای در افعال گویش مشهدی به کمک نظریه‌های زایشی خطی و غیرخطی». مقاله ارائه شده در *همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران*. ۱۰ و ۱۱ آذر. سمنان، دانشگاه سمنان.

۱۳- مدرسی قوامی، گلناز. ۱۳۸۹. «الگوهای هماهنگی واکه‌ای و هم‌تولیدیِ واکه‌به‌واکه در زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*، **دوره ۶، شماره ۱۱، صص. ۶۹-۸۶.**

14- Baković, Eric (2007). “Local assimilation and constraint interaction” in *Cambridge Handbook of Phonology*, pp. 335-352. Edited by Paul De Lacy, Cambridge: Cambridge University Press.

15- Bloomfield, Leonard. 1962. *The Menomini language*. Yale University Press.
16- Chambers, J. K. and Peter Trudgill (2004). *Dialectology*. Cambridge: Cambridge University Press.
17- Chomsky, Noam and Morris Halle (1968). *The Sound Pattern of English*. New York: Harper and Row.
18- Crystal, David (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics* (6th ed.). London: Blackwell Publishing Ltd.
19- Durand, Jacque. 1990. *Generative and Non-linear Phonology*. New York: Routledge.
20- Huber, Daniel. 2006. On the representation of coronals and velars across theories. *First Central European Student Conference in Linguistics*, May 2006, Budapest, Hungary. pp.1-12.
21- Jakobson, Roman and M. Halle. (1956) *Fundamentals of Language,* The Hague: Mouton.
22- Jensen, T. Johnson (2004). *Principles of Generative Phonology: An Introduction*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
23- Kenstowicz, Michael and Charles Kisseberth (1979). *Generative Phonology: Description and Theory*. New York: Academia Press.
24- Kimper, Wendell. 2011. Competing Triggers: Transparency and Opacity in Vowel Harmony. Unpublished Ph.D. Dissertation. University of Massachusetts Amherst.
25- Paradis, Carole and Jean-Francois Prunet (eds.) (1991). The Special Status of Coronals: Internal and External Evidence. San Diego: Academic Press.
26- Perri, John R. (2005). *A Tajik Persian Reference Grammar*. Leiden: Brill.
27- Rice, Keren (2009). “On Coronals: Are they special?” in *Toronto Working Papers in Linguistics*, 30: 1-15.
28- Roca, Iggy. 1994. Generative Phonology. London: Routledge.
29- Rohany Rahbar, Elham (2008). “A Historical Study of the Persian Vowel System”, in *Kansas Working Papers in Linguistics*, 30, 233-245.
30- Rohany Rahbar, Elham (2009). “Coronal Vowels in Persian”, in *Toronto Working Papers in Linguistics*, 30: 119-129.
31- Rose, Sharon and Rachel Walker (2011). “Harmony Systems”. *The Handbook of Phonological Theory*, Second Edition. Edited by John Goldsmith, Jason Riggle, and Alan C. L. Yu, pp. 240-290. London: Blackwell Publishing Ltd.
32- Windfuhr, Gernot and John R. Perry (2009) “Persian and Tajik”, in Gernot Windfuhr (Ed.) *The Iranian Languages*. pp. 516-544. Routledge: London and New York.

33- Zsiga, E. (2006). "Assimilation", in *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Edited by Keith Brown, pp.553-558, London: Elsevier.

Vowel Harmony in the Verbs of Mashhadi Dialect: A Generative Approach

Seyed Mohammad Hosseini[1]
Assistant Professor of Linguistics, Department of English Language and Literature, Arak University, Arak, Iran(Corresponding Author)
Aliyeh Kord Zafaranlou Kambouzia
Associate Professor, Department of Linguistics, Tatbiat Modares University, Tehran, Iran

Received:14/07/2020 Accepted:20/08/2021

Abstract

Taking a generative phonology approach, this paper analyzes vowel harmony in verbal prefixes in the speech of middle-aged non-immigrant Mashhadi speakers. For this purpose, nearly 120 simple verbs were conjugated and phonological alternations in the vowels of imperfective aspect, and subjunctive mood and their negative forms were extracted. Alsothe phonological features of the stem’s first vowel and those of the prefixes were analyzed. The results indicate the following: the underlying form of the vowel in the imperfective and subjunctive is the mid, front vowel; harmony occurs in backness, or height or both at the same time; the low, front vowel of the stem does not participate in harmony but the low, back vowel initiates harmony only if the initial consonant of the stem is a non-coronal. It was also found that the vowel of the negative prefix, which comes before the imperfective prefix, harmonizes in backness with the vowel of imperfective prefix. Also studied in the paper are rules operating in vowel harmony in stems with the glide /j/ and glottal fricative /h/, where the glide or glottal are omitted.

Keywords: Mashhadi dialect, verbal prefix, vowel harmony, generative phonology

1- m-hoseini@araku.ac.ir